

- سلطنت و حاکمان - لافصل سلطنتی .
- ۳- انقلابات سیاسی در کله کشورها که منحرف به تعبیررسم سلطنت گردد .
- ۴- تحریک به انقلاب و عصیان بر علیه حکومت و رژیم سلطنتی کشور .
- ۵- تبلیغ هرگونه مرام و مسلکی که بموجب مقررات کشور ایران غیرقانونی ساخته شده باشد .
- ۶- هر نوع فیلمی که در آن فانی و جانی و ساری در سیخه فیل بدون مجازات مانده باشد .
- ۷- هرگونه تورش و انقلاب در زندان که سنجنا" منحرف به شکست فوای انتظامی و بیروزی زندانان گردد .
- ۸- تحریک کارگران و دانشجویان و کشاورزان و سایر طبقات به مقابله با فوای انتظامی و تحریک کارخانجات با مدارس و آتش سوری .
- ۹- فیلمهایی که مخالف با آداب و رسوم و سنن ملی کشور باشد .
- ۱۰- صحنههایی از فیلم که موجب اشمئزاز بینندگان گردد بنحوی که . حیات نادر و ناراحتی شدید تماشاچیان را فراهم کند .
- ۱۱- صحنههایی از فیلم که در آن روابط نامشروع زنان شهردار و یا فریب اغفال دحبران نمایش داده شود و همچنین صحنههایی که در آن زنان لخت نمایش داده شود .
- ۱۲- استعمال کلمات مستهجن (فحش) و اصطلاحات رکبک و تمسخر لهجههای محلی (بیشتر درمورد دوبلاژ) رعایت شود .
- ۱۳- نشان دادن صحنه رن و مرد در یک بستر در صورتیکه زن و مرد برهنه باشند و فقط پوشش روی تختخواب حجاب حالت آنها باشد .
- ۱۴- فیلمهایی که موجب فساد اخلاقی جامعه و یا برخلاف عفت عمومی باشد و در آن رموز گانگستری نمایش داده شود .
- ۱۵- فیلمهایی که به اختلافات نژادی و مذهبی دامن زند

و موجب بغض و عناد مردم گردد.

برای آگاهی بیشتر از کم و کیف سانسور و اجرای دقیق آنچه نباید باشد (بعد از تصویب آئین‌نامه سینماها و موسسات نمایشی در تاریخ ۱۳۲۹)، نگاهی می‌کنیم به مقاله‌ای در مجله‌ی سینمایی "جهان سینما" که به سردبیری حسین فرهنگ منتشر می‌شد. این مجله زیر عنوان "ماجرای سانسور" * چنین می‌نویسد:

"شما در دو سه سال اخیر فیلم‌های معروفی چون "مسیو بوگر"، "بازگشت به مسابقه"، "تسخیرناپذیر"، "ژاندارک"، "شاهین صحرا"، "گریستف کلمب"، "ملکه نقره"، "زندگانی دوزخی"، "متهمد" و "جانباز" را دیده‌اید، اما آیا متوجه صحنه‌های ناقص و کمبود آن شده‌اید؟ مسلماً نه و اصولاً شاید فکر چنین چیزی را هم بخود راه نداده‌اید. در فیلم "مسیو بوگر" باشتراک "باب هوپ"، و "جون گالفیلد"، شاه، سلمان‌ی مخصوص خود "بوگر" را برای اصلاح ریش خود احضار میکند، لیکن شما صحنه‌ای که او ریش شاه را می‌تراشد ندیدید، این صحنه جالب توجه را که حدود ۶ دقیقه می‌شد سانسور کرده بودند. از فیلم رنگی و تاریخی "تسخیرناپذیر" با شرکت "باربارا استانویک" و "پولت گودارد" نیز حدود ۲۰ دقیقه سانسور شده بود و شخصی که مأمور این کار بود، خیلی از کار خود تعریف میکرد و ادعا داشت که چنان با مهارت این عمل را انجام داده است که هیچکس متوجه نخواهد شد. دومین محاکمه فیلم تاریخی "ژاندارک" که شاید در حدود سی دقیقه طول میکشید، برای آنکه مدت نمایش فیلم کوتاه‌تر شود، بطرز مرموزی سانسور شده بود.

فیلم تمام رنگی و فانتزی "شاهین صحرا" بطرز عجیبی سانسور شد و می‌توان گفت که اولین باری بود که در دنیا فیلمی را باین ترتیب سانسور میکردند. توضیح آنکه داستان فیلم حدود دو هزار سال قبل در تهران اتفاق می‌افتاد ولی کلمه "تهران" را که در سرتاسر فیلم از دهان هنرپیشگان خارج می‌شد سانسور کرده بودند و سانسور آنهم باین ترتیب بود که ابتدا توسط دستگاهی روی حاشیه ناطق واقع در کنار فیلم مقدار فاصله‌ای که کلمه تهران را تشکیل میداد علامت‌گذاری کرده، و سپس فاصله بین دو علامت را بوسیله موم یا لاک سیاه کردند، تا نور نتواند از آن عبور کند و کسانی که به سینما و گارهای فنی آشنایی دارند متوجه این نکته شدند که در بیشتر صحنه‌ها، هنگام مکالمه ناگهان صدا برای یکی دو ثانیه قطع و مجدداً به‌گوش میرسید درحالی‌که در همان حال لب هنرپیشه حرکت می‌کرد و هیچکس هم دلیل این سانسور را که برای نخستین بار توسط مبتکرین ایرانی ابداع گشته بود ندانست. در فیلم تاریخی "گریستف کلمب" باشتراک "فردریک مارچ" نیز در یکی از صحنه‌ها نشان می‌دهد که "کلمب" با حالت

عصبانی بد "فیلیپ" پادشاه اسپانیا حملدور گشته و او را بدزمین می‌زند ، در حالی‌که با کمال خونسردی این صحنه را هم سانسور کرده بودند . بیشتر از پنج صحنه بسیار جالب و تماشایی که اصل موضوع فیلم "ملکه نقره" را تشکیل می‌داد بریده شده بود ، چونکه این قسمت‌ها یا شامل "انقلاب" بودند یا دستبرد و حمله به بانک را نشان می‌دادند و این احتیاط کمیسیون نمایشات به جهت این بود که در ایران مردم از انقلاب و دستبرد به بانک چیزی نمی‌دانند و البته نباید آنرا یاد بگیرند . از فیلم "زندگانی دوزخی" که اخیراً نمایش داده شد مقدار زیادی فقط به علت اینکه از طول مدت نمایش فیلم کاسته گردد سانسور کرده بودند . صحنه آخر فیلم "متهمد" که "رابرت کامینگز" را در دادگاه هنگام صحبت نشان می‌داد نیز مقدار زیادی سانسور شده بود و آن قسمت باقیمانده دو دقیقه‌ای هم فاقد ترجمه بود تا بهتر تماشاچی را گیج ، و مبہوت نموده و از اظهارات بجا و اخلاقی نامبرده که گوشه‌های تاریک اجتماع فاسد را روشن می‌کرد بی‌اطلاع بماند . اما سانسور ماهرانه‌ی فیلم "جانباز" که نمایش آن هنوز هم ادامه دارد شاهکار تمام سانسورها محسوب می‌شود . در اینجا از شباهت دو نفر از پرسناژهای فیلم استفاده کرده و پایان داستان را بگلی عوض کرده بودند . در اواخر فیلم "جانباز" شاهزاده "رامون" دشمن شاه و یکی از قراولانش با "گالوس" قهرمان داستان در دژی که "لورنزو"ی پادشاه را در آن محبوس کرده‌اند ، بدوئل می‌پردازند و در اثنای این نبرد "رامون" متوجه "لورنزو" می‌شود و با وی به دوئل مشغول می‌گردد و بعد آنها را در کنار ستونی نشان می‌دهند که چندین کلمه با هم رد و بدل می‌کنند . در اینجا همه منتظرند که یکی از این دو حریف از پای درآیند در صورتیکه صحبت "لورنزو" نیمه‌تمام می‌ماند و ناگهان نشان داده می‌شود که "رامون" با "گالوس" بدوئل پرداخته و بدست او گشته می‌شود . گالوس بی‌ای ستون می‌آید و تماشاچی مشاهده می‌کند که لورنزو روی زمین افتاده و سینه او مجروح شده . . . و پس از چند کلمه صحبت ناگهان در صحنه دیگر او را زنده و سلامت نشان می‌دهند . در صورتی‌که فیلم در اصل اینطور نبوده و از گمیانی تهیه کننده با این صورت خارج نشده است . "رامون" پس از قدری صحبت با شمشیر خود شاه را از پای درمی‌آورد و بعد با "گالوس" به نبرد می‌پردازد .

سانسور توسط متخصصان

• در تاریخ ۱۳۴۴/۴/۲۳ آئین‌نامه‌ی نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید که مشتمل بر ۲۷ ماده و دو تبصره بود ، در هیئت وزیران به تصویب می‌رسد . ناظرین و مجریان این آئین‌نامه عبارت بودند از نمایندگان وزارت فرهنگ و هنر ، وزارت اطلاعات ، وزارت کشور و شهربانی ، که بعد در جلسه مورخ ۱۳۴۷/۱۱/۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۴۱۰۴۹۵/۴۱۷۴۲ مورخ ۱۳۴۷/۱۱/۲۶ وزارت فرهنگ و هنر

بدین شکل تغییر می‌کند :

۱- شورای هنرهای نمایشی مرکب از ۱۵ نفر هنرشناس، روانشناس، جامعه‌شناس، حقوقدان، کارشناس فرهنگی، تربیتی و امور نمایش تشکیل می‌یابد و اعضاء آن بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و هنر و تصویب هیئت وزیران انتخاب می‌گردد.

۲- شورای هنرهای نمایشی از بین اعضای خود یک رئیس و یک نایب رئیس انتخاب خواهد کرد و مسئول اداره کل امور سینمایی کشور با حق رای سمت دبیری شوری را به‌عهده خواهد داشت.

ب - سیزده نفر نامبردگان زیر برای مدت سه سال به‌عضویت شورای هنرهای نمایشی منصوب می‌شوند : از نظر تخصص در رشته‌های فرهنگی - هنری - تربیتی - روانشناسی - جامعه‌شناسی - حقوق و امور نمایش و فیلم : ۱- مجید رهنما ، ۲- عبدالمجید مجیدی ، ۳- پروفیسور فضل‌الله رضا ، ۴- محمد باهری ، ۵- فریدون هویدا ، ۶- محمود صناعی ، ۷- احمد هوشنگ شریفی ، ۸- آذر احمدی ، ۹- مهدی فروغ ، ۱۰- نماینده وزیر فرهنگ و هنر ، ۱۱- معاون وزارت اطلاعات ، ۱۲- نماینده وزارت کشور ، ۱۳- نماینده جامعه مطبوعات .

در آئین‌نامه‌ای که قرار بود این متخصصان بر اجرای آن نظارت کنند، آمده بود :

- ۱- نمایش تمام یا قسمی از هر فیلم که منضم نکات مشروح در زیر باشد در سراسر کشور ممنوع است .
- ۲- اهانت به نوحید پروردگار و ادیان و کتب آسمانی و بی‌عمران و مقدسان و مقدسات و ائمه اطهار .
- ۳- اهانت به دین مبین اسلام و کیش شیعه اثنی عشری و مقدسان و مقدسات آن .
- ۴- هتک حرمت و اهانت به مذهب و معتقدات اقلیت‌های مذهبی ایران .
- ۵- اسائه ادب نسبت به مقام شامخ سلطنت و خاندان حلیل سلطنت .
- ۶- تشویق و تحریک هرگونه عصیان و بلوا علیه رژیم سلطنت مشروطه و دولت .
- ۷- اهانت نسبت به مقامات دولتی اعم از کنسولی و لسگری .
- ۸- اهانت به کشورهایی که با کشور ایران روابط دوستانه دارند و یا توهین نسبت به معاصر تاریخی و ملی آنها تا آن حد که موجب کدورت و رنجش در آن کشورها شود .
- ۹- تبلیغ برای هرگونه مراسم و مسالکی که بموجب قوانین و

- مفرات کشور ایران غیرفابوسی ساخته شده باشد .
- ۱۰- صحنه‌هایی که حاکی از سوءفصد علیه رئیس و اعضای یک دولت بوده و فصد تحریک در آن آشکار باشد .
- ۱۱- صحنه‌هایی که حاکی از تورش علیه نیروهای اسطامی و امیسی و دفاعی باشد و بیروزی نصیب احلال‌گران شود .
- ۱۲- بطور کلی صحنه‌هایی که مخالف و مصاد با مفدمات و مفاحر تاریخی و ملی ایران است و در آن به مقام و مسئولیت کشور ایران چه در گذشته و چه در حال در میان مثل جبهان لطمه و خدشه‌ای وارد می‌سازد .
- ۱۳- بسویق اعمال ردیله و غیرانسانی از قبیل خیانت - خنایت - حاسوسی - ربا - همجنس‌دوستی - دردی - ارتشاء - نجاور به حقوق غیر به آن شکل که فاقد احد نتیجه مثبت و انسانی باشد ، یا سناجی از آن عاید شود که بطور صمبی دال بر برائت و موحه ساختن ارتکاب به اعمال ناسایست و غیرانسانی باشد .
- ۱۴- رجحان و نفوق بد بر خوب ، ناسایست بر سایسته ، غیرانسانی بر انسانی ، ردالت بر فصیلت و نفوی بهر شکل و بیانی اعم از اینکه صریح باشد یا صمبی و در لغافه .
- ۱۵- ارائه مناظر جزئیات روابط جنسی محضرا" به فصد ارضای حواس‌های نبت و به منظور جلب منبری .
- ۱۶- ارائه آن قسمت از اندام برهنه زن یا مرد ، دختر یا پسر که مستور بودیش ضروری است و عیان ساختن آن عیب عمومی را جریحه‌دار می‌سازد .
- (تبصره) در مورد فیلمهای مسند طبی و آموزنده که برای معاشاگران خاصی است هیئت نظارت می‌تواند با توجه به مفاد این تبصره اقدام به صدور پروانه نمایش فیلم در سینماهای معین یا برای معاشاگران مخصوص بنماید .
- ۱۷- مسخر زبان یا لهجه اقلیت‌های مفیم ایران یا لهجه و زبان مردم شهرستانهای مختلف منحصررا" به فصد استهزا و کوحک کردن آنان به طوریکه هیچگونه سیجه مثبتی از این عمل عاید نشود (منظور فیلم‌های گویا به زبان فارسی اعم از فیلمهای فارسی یا فیلمهای خارجی دوبله شده است) .



۱۸- بکار بردن عبارات و اصطلاحات و اصوات و صبح و رکبک و سنان دادن مناظر محرومه و عیب مانده و افراد باره بوش به منظور تحقیر حبیب سئون ایران و ایرانی .

۱۹- صحنه‌هایی که موجب تحریک اختلافات نژادی و قومی گردد و مقصودی حر منشار نمودن قوم یا نژادی بر نژاد دیگر نباشد .

۲۰- صحنه‌هایی که در آن حرشیات یک فعل سنان داده می‌شود . صحنه‌هایی از کنس حیوانات اهلی با سگمچه و به‌طور کلی حیوان‌آراری تا آن حد که موجب انحاد ناراحتی و انمترار ببندده گردد .

(نصیره) در مورد فیلمهای مستندی که درباره کنسارگاهها و آزمایشگاههای تهیه سرم و واکس و آزمایشهای علمی و یا درباره شکار ساحه می‌شود هیئت نظارت می‌نواهد با توجه به مفاد این نصیره اقدام به صدور پروانه نمایش فیلم برای سینماها یا نمایشگران مخصوص نماید .

فیلمهایی که تمام یا قسمتی از آن در سیحه سی‌اررشی انحاد مبدل‌بندی در نمایشگران نماید .

در عمل ، ماموران ممیزی با تخلف از حدود ضوابط تعیین شده ، به فیلمهای کم‌اررشی که "ایجاد مبتذل‌بندی در نمایشگر" می‌کرد اجازه نمایش می‌دادند و مفاد این آیین‌نامه نیز اکثراً ، بجز در مورد مسائل سیاسی ، به اجرا در نمی‌آمد . در این زمینه محمد بهامی نژاد در فصل "اخلاقیات در سینمای ایران" * از سلسله مقالات "ریشه‌یابی یاس در سینمای ایران" می‌نویسد :

"... تا وقتی که میان اخلاقیات شخصی میزان و هوس‌های آنان با آنچه به‌راستی مفید و ضروریست تمایز قاطع پدید نیاید و بدون شناخت عمیق از مفهوم درونی یک فیلم قضاوت‌های نادرست شود بازار سینما همچنان پر خواهد ماند از فیلمهای بی‌ارزش‌سگسی ، جنایت و کاراته‌ای که مسلماً هیچ کمکی به گسترش فرهنگ یا حتی تهذیب اخلاق که بناست هدف باشد ، نمی‌کند ."

محمدتقی کهنموئی بازیگر سینما و تئاتر در همین شماره‌ی مجله می‌گوید :

"مسئولان هنری بکار خود وارد نیستند ، یکی از نمایشنامه‌های مولیر را برای تصویب برده بودم و مسئول می‌گفت : که نمی‌شود ، باید خود نویسنده بیاید !"

عباس شباویز ، تهیه‌کننده ، کارگردان و بعد هم بازیگر فیلمهای فارسی که خود نیز در ترویج

سینمای مبدل نقش داشت (به‌عنوان نمونه فیلم روسی در ۱۳۴۷) در یک سمینار سینمایی می‌گوید: "نتیجه‌ی این ممیزی‌ها فقط این است که اجباراً فیلمسازان ایرانی فقط از قصه‌های روسی‌ان و گلاسه‌مخملی‌ها فیلم می‌سازند."

بهمن فرمان‌آرا در همین سمینار چنین نظر می‌دهد:

"اینکه گاهی فیلمنامه‌هایی مردود شناخته می‌شود و فیلمی با نام دیگر براساس همان فیلمنامه ساخته می‌شود و جایزه می‌گیرد و دیگر مسائل پیش پا افتاده و تکراری، دیگر حرف‌های تازه‌ای نیستند. اما اینکه قسمت ممیزی فیلم مدتی است با دخالت مستقیم در محتوای فیلم و کار خلاقه‌ی کارگردان پرداخته است یکی از دلایل مهم برای کناره‌گیری اکثر فیلمسازان معتبر این مرز و بوم است. چون وقتی اکثر این کارگردانان آنچه را که نباید باشد "پذیرفتند، ممیزی به خود اجازه داد که بگوید: "چه باید باشد" و چون این سیر نزولی انتهایی ندارد و جایی برای کار خلاقه‌ی یک فیلمساز صاحب‌فکر و اندیشه نمی‌گذارد، فیلمسازان برای گذران زندگی و اموراتشان به نوع دیگری از فیلمسازی مثل سریال‌سازی، مستند‌سازی و ساختن فیلمهای تبلیغاتی تن دردادند. بنابراین، پس تا وضع سانسور و همچنین نوع سانسورچیان فیلم در این مرز و بوم عوض نشود، شکل این سینما از آنچه بوده تغییری نخواهد کرد و سینمای موجود به‌همان خوبی خواهد بود که ممیزی خواستد است."

گروه گزارش کیهان با عنوان "جز دربارہ فیلمهای سکی و خشن، مردم با سانسور مخالفند"

می‌نویسد:

"... فیلمهای رضا موتوری، بلوچ، خاک و کوزن‌ها از کیمیائی - گاو، پستیچی و دایره مینا از مهرجویی - ساز دهنی و مرثیه از امیر نادری - آرامش در حضور دیگران از ناصر تقوایی، اوکی مستر از پرویز کیمیاوی و در غربت از سهراب شهید ثالث و بالاخره فیلم کوتاه سفر ساختمی بهرام بیضائی که در مسکو جایزه بزرگ فستیوال را برد همگی (جز در غربت و اوکی مستر) با سانسور به‌نمایش درآمد. ضمناً فیلمهای کوتاه و مستند قلعه از شیردل از ده سال پیش در توقیف است و در کنار فیلمهای ندامتگاه زنان و شهرنو، خاک می‌خورد."*

به‌این ترتیب، سلطه‌ی سانسور فیلم در ایران طی دهه‌های منمادی غالب دست‌اندرکاران سینما را به‌خود سانسوری کشاند، به‌نحوی که هیچ‌گاه کوچکترین انحرافی از چارچوب تعیین شده انجام نمی‌دادند. تمامی آنچه را که مصور می‌کردند، همانی بود که رژیم میخواست، حتی گاهی اوقات تند و نیزتر از معیارهای تعیین شده. به‌همین جهت در سینمای فارسی و در حقیقت فیلم فارسی نمونه‌ای را نمی‌توان یافت که در پشت درهای ممیزی مانده باشد و اجازه نمایش نیافته باشد، جز یکی دو مورد که

آنها از حد مورد نظر رژیم مبتدل‌تر بودند، همچون فیلم "پشمالو" که این نیز بعداً پروانه نمایش گرفت.

سیاست گام به گام

• در مورد فیلمهای خارجی، سانسور گاهی ناچار به سختگیری می‌شد. چرا که، ممیزی با توجه به ابتدال و بی‌پروائی مفرط تماشاگران آنها را برای تماشاگر ایرانی زود می‌دانست و معتقد بود باید از "سیاست گام به گام" پیروی کرد. چنین بود که اگر فیلمی در سال ۱۳۴۷ اجازه نمایش نمی‌یافت. پنج سال بعد با تقاضای واردکننده‌اش مجدداً بازبینی می‌شد. و به احتمال زیاد اجازه نمایش می‌یافت. در این مورد فیلم "فرشتگان وحشی" ساخته‌ی شرکت "امریکن اینترناشنال" نمونه‌ی جالبی است. این فیلم در سال ۱۳۴۷ بعلت بی‌پروائی، خشونت بیش از حد و ابتدال اجازه نمایش نیافت ولی پس از پنج سال به برکت نامه‌ی زیر روی پرده آمد:

فیلم فرشتگان وحشی - محصول آمریکا که در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۴۷ از طرف هیئت نظارت مردود شد، اینک شرکت سهامی صنفی. ن. آ. طی نامه مورخ ۱۳۵۲/۶/۱۵ شرحی نوشته و درخواست صدور پروانه آنرا کرده است، با توجه به اینکه بر اثر گذشت زمان و تغییر ذوق مردم و علاقه تماشاچی به این‌گونه فیلمها امکان دارد موجبات عدم صدور پروانه نمایش فیلم مذکور بر طرف کرده باشد، از اینجهت اداره کل نمایش امور سینمایی کشور با تقدیم گزارش، درخواست رسیدگی دارد.

خردمند - مدیر کل امور سینمایی کشور

اصل این نامه و نظایر آن در اداره فرهنگ و هنر سابق زیاد به چشم می‌خورد. نامه‌هایی که مضمون اصلی‌شان این بود که "بر اثر گذشت زمان و تغییر ذوق مردم و علاقه تماشاچی به این‌گونه فیلمها... باید اینک این اثر را به جامعه عرضه کرد.

در زیر نمونه‌ای از فیلمهای بی‌ارزشی که اجازه‌ی نمایش نیافتند و پاره‌ای از آنها بعداً به نمایش درآمدند، آورده می‌شود. (لیست این فیلمها در بایگانی و آرشیو وزارت ارشاد اسلامی موجود است):

- پیوآ - محصول ایتالیا، نام کارگردان نامشخص، سال ۱۳۵۲.
- زیبای با برهنه - محصول ایتالیا، کارگردان سیلو برآمادیو، ۱۳۵۳.
- اتو استاب - محصول آمریکا، کارگردان بولیسبايسن، ۱۳۵۳.
- بوفالو - محصول هنگ‌کنگ، کارگردان موشین، ۱۳۵۳.
- نعقب در بارک - محصول آمریکا، کارگردان نامشخص، ۱۳۵۳.
- عشقهای سوزان - ساخت ایتالیا، کارگردان فرانکو سلوگرانه، ۱۳۵۴.
- سه مرد فراری - محصول ژاپن، کارگردان نامشخص، ۱۳۵۴.
- شمعی برای شیطان - محصول انگلیس، کارگردان ایگان مارنین، ۱۳۵۵.



- ارسه سموچار - محصول ایتالیا ، کارگردان آلفوسویرجیا ، ۱۳۵۵ .
- سالهای بحرانی - محصول ایتالیا ، کارگردان فلاویر موگریسی ، ۱۳۵۵ .
- مادام سنا - محصول امریکا ، کارگردان ارمانه وبانورجی ، ۱۳۵۷ .
- بیر جنگل - محصول هنگ‌کنگ ، کارگردان سونگ یانگ ، ۱۳۵۷ .
- ساموی ساه - محصول امریکا ، کارگردان کریدون کلارک ، ۱۳۵۷ .
- دسای حوایی - محصول فرانسه ، کارگردان پیراونیا ، ۱۳۵۷ .
- هف دحیرارم - محصول ایتالیا ، کارگردان لوئیجی روسی ، ۱۳۵۷ .

Reza.Golshahan.com
www.KetabFarsi.com

نوشته‌های سینمایی

عصای دست

• مجلات سینمایی ایران از همان ابتدا، عصای دست سینمای فارسی بودند و در جهت نفیوت، بوحیه، و برسکوه ساختن بکار می‌رفتند. با این همه، سینمایی نویسان اندیشمندی نیز وجود داشتند که می‌کوشیدند با انتشار مطالب جدی و تحلیلی به اشاعه‌ی فرهنگ عمیق سینمایی کمک کنند. اما به‌همان‌گونه که معدود فیلمهای هنرمندانه و واقع‌نگر سینمای ایران نتوانستند جریان اصلی ابتذال را موقوف کنند، این نویسندگان نیز در عمل ضعیف‌تر از آن بودند که بتوانند جلوی گسترش و نفوذ شریات سینمایی دروغپرداز را بگیرند. صدای آنها در هیاهوی ستاره‌سازی و رویا‌فروشی مطبوعات سینمایی مبتذل و بی‌محتوا جز به‌گوش عده‌ای انگشت‌شمار نرسید و اساساً در محیط تنگ روشنفکری باقی ماند. از اینرو، یکی از علل مداوم بیماری سینمای ایران را باید بی‌شک در قلمرو "مطبوعات سینمایی" جستجو کرد. بررسی عملکرد این مطبوعات، اثرات فرهنگی و اجتماعی آنها را روشن‌تر می‌سازد.

مطبوعات سینمایی نیز از دایره‌ی روزنامه‌نگاری سانسورزده‌ی ایران بیرون نبودند و اصولاً "طرح مسائل سیاسی و اجتماعی سیما و خرده‌گیری از خط مشی فرهنگی و هنری حکومت جایی در این مطبوعات نداشت. ممیزی و مراقبت مداوم دستگاههای اطلاعاتی دولت، فساد و جاه‌طلبی و این‌الوقت بودن اکثر مدیران مطبوعات سینمایی، و بیمایگی و بی‌تفاوتی بیشتر سینمایی‌نویسان، دست به‌دست هم داده و این نشریات را از محتوا و جهت‌گیری آموزشی و آگاهی‌بخش نهی ساخته بود. در نتیجه، حتی مجلاتی نیز که گاه و بیگاه مطالب برارزش سینمایی به‌چاپ رساندند، از جو همه‌گیر ابتذال مصون نبودند. عکس‌های عشوه‌گرانه‌ی روی جلد و پوسترهای بازیگران سینمای بازاری و گزارش روابط عاشقانه و نوع لباس و غذای مورد علاقه‌ی آنان، جنجال و شایعه‌سازی و تمجید و سلق و بازارگرایی برای زنان خودفروش و فیلمسازان و هنرپیشگان نهی مغز داخلی و خارجی، چارجوب اصلی نشریات سینمایی را تشکیل می‌داد. آنها رویا می‌فروختند و دحتران و پسران ساده‌دل و ساده‌اندیش تهرانی و شهرستانی در آرزوی ستاره شدن می‌سوختند.

نگاهی به نوشته‌ها، عکسها و تفصیلات این‌گونه مطبوعات خود بهترین سند است.

• "رقاصهای که در گاباره‌ها و کلوب‌های شبانه میرقصید، امروز از بزرگترین ستارگان سینمای مصر است. "سامیه جمال" بقدری در رقص‌های شرقی مهارت داشت که ملک فاروق ویرا مربی رقص ستارگان مورد علاقه خود قرار داد."*

• "یک خبرنگار شیطان و زیرک آمریکایی توانست به‌طور اسرارآمیز و مخفیانه‌ای اطلاع حاصل نماید که "رابرت تیلور"، در صدد است با "اورسولا تیس" ستاره زیبای آلمانی که بنابر دعوت کمیانی "مترو گلدوین مایر" برای شرکت در فیلمی به هالیوود آمده است ازدواج نماید."**

• "ستاره گمنامی که اگر یک روز در آسمان تاتر و سینمای ایران ظاهر شود، انقلابی خواهد نمود و جهان‌افروز خواهد شد... او عاشق بازی در فیلم و تاتر است، ولی معتقد است که موفق نخواهد شد. "جهان‌افروز" از طفولیت در روسیه در صحنه تاتر ظاهر شده است، ولی برای یکبار و آنهم در سن هفت سالگی او مدت‌ها در آموزشگاه رقص بالت مشغول تمرین بوده ولی متأسفانه از ۱۵ سالگی، این تمرین قطع شده است... باری "جهان‌افروز" بروی صحنه خواهد آمد و در روی پرده ظاهر خواهد شد و "انقلابی" در تاتر و نمایش ایران برپا خواهد شد."***

• "شارل بوآیه" هنرپیشه معروف فرانسوی که با نگاه نافذ خود در قلب همه تماشاچیان، بخصوص خانمهای جوان، نفوذ میکند، روزی نیست که قریب هزار نامه و عکس از دوشیزگان و بانوان جهان دریافت نکند و عموماً "از وی تقاضای یک اظهار لطف کوچک یا یک قطعه عکس که زیر آن امضای "شارل بوآیه" رسیده باشد نمایند."****

• "آخرین خبر - "مریلین مونرو" ملکه قلوب جوانان جهان که چندی قبل با "جودیمایو" ازدواج نمود اخیراً از مسافرت ماه عسل به هالیوود بازگشت."*****

* مجله‌ی ستارگان سینما، شماره اول، ۱۹ آذر ۱۳۳۱

** مجله‌ی جهان سینما، شماره شش، ۱۸ آبان ۱۳۳۱

*** مجله‌ی هالیوود، ۶ مهر ۱۳۳۲

**** مجله‌ی عالم سینما، شماره ۲، ۳۱ فروردین ۱۳۳۲

***** مجله‌ی سینما، شماره اول، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۳

ه "گریستین کیلر" آلمانی تن خود را با شیر و شامپانی می‌شست. او شمره یک عشق حرام بود. از یک پرورشگاه کودکان یتیم بیرون آمد. یازده سال بعد در بیست و دو سالگی امپراتوران صنایع آلمان در مقابل او زانو بزمین می‌زدند و...".*

ه "بیب، شیطونه - بیب، بلاست - ۴۵ نکته‌خوانی درباره برزیت یاردو.
- به سیگار وینستون علاقه‌مند است.

- از دروغ خوشش می‌آید.

- یکصد و بیست دست لباس، ۸۵ مانتو، ۱۶۲ جفت کفش دارد.

- ۱۴۰ میلیون فرانک فرانسه پس‌انداز دارد و...".**

ه "وجودش سرشار از هزار نقش عجیب است. شراره سحر و افسون به گام آدمیان میریزد. سیمایش نمایشگر جذبه‌ای افسونگرانه و پراز شیطنت‌های خاص زنانه است که از مرز بی‌خیالی می‌گذرند... و این زن "آناگارینا" می‌تواند برای زمان طولانی مردی را اسیر سرگردانی و شقاوت‌های جهان سازد.***"

ه "چهره‌ای متولد می‌گردد - از مهندسی تا سینما - "همایون بهادران" قاعدتا نام آشنائی نیست. اما یاد گرفتن نامش نیز مشکل بنظر نمی‌رسد. سعی کنید چند بار آنرا بزبان آورید، چون قصد ما اینست که آنرا فراموش نکنید. چون "همایون بهادران" هنرمند موفق فردا خواهد بود، هنرمندی که چه بسا بخاطرش و برای دیدن فیلمهایش ساعتها در صف بایستید و سر و دست بشکنید.****"

ه "نیلوفر" نخستین بار وسیله "سیامک یاسمی" کشف گردید و در برابر سه غول سینمای ایران "محمدعلی فردین"، "تقی ظهوری" و "ناصر ملک‌مطیعی" در "طوفان نوح"، همبازی گردید. وی علیرغم بی‌تجربگی‌اش در کار سینما معینا مایه‌هایی از استعداد فطری خود را در زمینه بازیگری بعلاوه تیپ و زیبایی چشم‌گیرش عرضه نمود. کم و بیش کار خود را با توفیق قرین ساخت.*****"

*** مجله ستاره سینما - دوره جدید - شماره ۹، ۲۰ مرداد ۱۳۴۲

*** مجله‌ی فیلم و هنر، فروردین ۱۳۴۴

*** مجله‌ی فیلم و هنر، شماره ۱۶۷، ۲۰ آذر ۱۳۴۶

**** مجله‌ی فیلم و هنر، شماره ۱۹۴، ۱۹ تیر ۱۳۴۷

***** مجله ستاره سینما، ۱۹ تیر ۱۳۴۷

• "جمیلده یک ستاره می‌شود. "زن وحشی وحشی" اولین نقطه درخشش "جمیلده" بود و بخوبی توانست جلب مشتری کند و تازه‌ترین فیلمی را که از "جمیلده" خواهیم دید. فیلمی خواهد بود با نام "دختر ظالم بلا" از "فردوسی فیلم" که در آن جمیلده، نقش یک دختر شیطان، که همه عوامل دلبری را در خود یکجا جمع دارد "شیطنت، زیبایی، سگس، تهور و هنر" ظاهر می‌شود. *

• "گنده حرفهای (سال) ۵۱، هنرمندان ایرانی.
- "ایرن"، من یک "عمله" هنر هستم، بشرطی که کسی پیدا نشود بگوید من "سرعمله" هستم.
- "کتایون"، مهرجویی از من توقع نامشروع داشت.
- "داریوش"، من پوچ شده‌ام.
- "فروزان" چه با پیراهن بازی کنیم، چه با پالتو یا مایو، حیثیت هنرپیشد ما به عریان شدنش روی پرده سینما بستگی ندارد. **

مجلات سینمایی

• نوشتن مطالب سینمایی، با ایجاد سالن‌های سینما و ورود فیلمهای خارجی به ایران شروع شد. این مطالب بیشتر جنبه‌ی تبلیغاتی داشتند و هدف این بود که به هر طریق مردم به سینما کشانده شوند و حتی در خیابانها آگهی‌هایی را که تصاویر آنها در خارج و نوشته‌هایشان در ایران چاپ می‌شد، به دست مردم می‌دادند و می‌کوشیدند آنها را به دیدن فیلم تشویق کنند. رضا کمال (شهرزاد) و حسینقلی مستغان از نخستین کسانی بودند که در روزنامه‌های اطلاعات، ایران و مجله مهر درباره‌ی سینما و فیلمهای روی پرده مطالبی نوشتند. با رونق گرفتن کار سینما و افزایش سالنهای نمایش، نویسندگان بیشتری در این راه گام برداشتند و به این ترتیب، تدریجا مجلات سینمایی پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند:

سال ۱۳۱۷، نخستین نشریه سینمایی ایران، به نام "نمایش"، به همت "اسحاق زنجانی" انتشار می‌یابد. می‌گویند این نشریه بواسطه‌ی عدم استقبال بیش از سه شماره دوام نیاورد و تعطیل شد. ***
پنج سال بعد، در تیرماه ۱۳۲۲، در هنگامه‌ی جنگ جهانی دوم، اولین شماره‌ی مجله‌ی

* مجله‌ی فیلم و هنر، شماره ۲۲۲، ۲۱ بهمن ۱۳۴۹

** مجله‌ی فیلم و هنر، ۱ فروردین ۱۳۵۲

*** در کتابخانه‌ی ملی، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، بخش نشریات ادواری، و نزد کسانی که آرشیو مجلات سینمایی دارند، نمونه‌ای از این مجله را نیافتیم.

"هولیوود" (صاحب امتیاز: ج - جهان، مدیر و نگارنده: علیرضا امیرمعز*، مدیر داخلی: حمید احمدی منتشر می‌شود. در سرمقاله‌ی نخستین شماره‌ی "هولیوود" می‌خوانیم:

وقتیکه دنیا در آتش عجیب و بزرگ خویش میسوزد!

وقتیکه داس مرگ هر لحظه خرمن هستی هزاران نفر را قطع میکند!

وقتیکه اشک اندوه لبخند شادی و مسرت را از لبها میزداید!

وقتیکه همه چیز بوی مرگ میدهد و از هیچ روزنه‌ی نور امید نمی‌تابد:

در این هنگام: یگدسته گل قشنگ و دلفریب بدست شما میرسد، گل‌های زیبا و خوشترنگ

آن ساعتی چند شما را از این جهان و هرچه در آن است بیرون میبرد، عطر روح‌پرور آن

رایحه‌ی مرگ را از مشام شما خارج میسازد، با شادی خویش اندوه شما را بدست فراموشی

می‌سپارد و شادابی آن طراوت شما را باز میگرداند.

ایندسته گل معطر و زیبا "هولیوود" نام دارد...

۰۰۰

نخستین شماره "هولیوود" بمنزله "فهرست ناقصی از سازمان، ستونها و مطالب مختلف

مجله" ماست، ما در عین حال که بتکمیل سازمان مجله میپردازیم، خواهیم گوشید که هر

شماره آن زیباتر و سودمندتر از شماره پیشین باشد و تا آنجا که مقدور ماست رضایت و

خشنودی خوانندگان خویش را فراهم آوریم.

موقتا، تا وقتیکه وسائل کار ما فراهم آید، "هولیوود" هر دو هفته یکبار انتشار خواهد

یافت و از آن پس بیاری خدا مجله را بطور هفتگی منتشر خواهیم ساخت.

"هولیوود" متکی به هیچ موسسه یا جمعیتی نیست، کارکنان آن مرامی جز "خوب‌کار کردن"

ندارند و باتکای خداوند و یاری هم‌میهمان در این راه قدم نهادند.

میکوشیم و امیدواریم که مجله ما، که در نوع خود سابقه ندارد از هر حیث جالب و

ممتاز باشد.

"هیئت تحریریه هولیوود"

بعد از سرمقاله، مهمترین مضامین مجله را، مطالب زیر تشکیل می‌دهد:

• شرحی در مورد "هدی لامار"، که عکس او زینت‌بخش روی جلد مجله است.

• نوشته‌ای با عنوان "فیلم دزد بغداد، شکوه ایران باستان را زنده می‌کند."

• صفحه‌ای به نام تازه‌های هولیوود، که دربر گیرنده‌ی خبرهایی درباره‌ی "آنا بلا"، "کن

منیارد"، "ریچارد نی"، "نلسن ادی" و "جانی ویسمولر"، ستارگان امریکایی است.

• در حاشیه‌ی فیلمهای "سرباز شکلاتی" و "بوسه سند بزرگبست".

* علیرضا امیرمعز، در سال ۱۳۳۱، مجله‌ای به نام "آی. تی" را منتشر می‌کند، که نشریه‌ای صنعتی و تجاری است (وابسته به اتحادیه‌ی بین‌المللی ادارات اطلاعات صنعتی و تجاری).



- دسور آلفرد هیچکاک ، " چگونه یک فیلم تهیه می‌شود " .
- تبلیغ فیلمهای نازده کمپانی "منروگلدوین مایر" ، و
- سنون پاسخ به خوانندگان به‌همراه مسابقه و سرگرمی .

مجله‌ی هولیوود . سوی دو شماره که در قطع کوچک (جیبی) منتشر شد ، (۳۰ شهریور ۱۳۲۳ و ۶ مهر ۱۳۲۳ ، هر یک به‌قیمت ۳/۵ ریال) قطع رحلی داشت . قیمت هر شماره بین ۵ تا ۱۰ ریال در یوسان بود ، بجر شماره‌ی ۱۲ آن که به بهای ۳۰ ریال عرضه شد و گردانندگان در صفحه‌ی آخر توضیح دادند : "نفع عایدات این شماره بنفع آسیب‌دیدگان کرکان است" . در مجموع ، هولیوود نشریه‌ای بود در خدمت سینمای امریکا و کمپانی‌های فیلمسازی آن .

در سالهای ۲۳-۱۳۲۲ صحبت از دو نشریه دیگر می‌شود . اولی به‌نام "ایران فیلم" ، که دکتر ابراهیم آرا مسرر کرد و دیگری مجله‌ی "هنرمندان" به‌مدیریت فضل‌الد بایگان (از این دو نشریه نمونه‌ای نیافتم) در سال ۱۳۲۴ مجله‌ای به‌نام "هنریستگان" منتشر می‌شود که بعضی به‌غلط آنرا در ردیف مجلات سینمایی قلمداد کرده‌اند . در صورتیکه این مجله (به‌مدیریت جعفر منصوریان) اختصاص به تئاتر دارد .

در ۲۲ شهریور ۱۳۳۰ ، استودیو پارس‌فیلم ، دست به انتشار یک مجله‌ی سینمایی به‌نام "عالم هنر" می‌زند که عمدتاً به‌تبلیغ و معرفی فیلمهای این استودیو می‌پردازد . دکتر اسماعیل کوشان صاحب پارس‌فیلم ، صاحب امتیاز این نشریه و علی کسمایی سردبیری آنرا به‌عهده دارد . در نخستین شماره‌ی "عالم هنر" این عناوین به‌چشم می‌خورد :

- باید محیطی هنرپرور ایجاد کنیم .
- باید هنرهای ملی بوجود آوریم .

• حسن نمایش و سزانس در ادبیات و هنر ایران . نوشته‌ی فرخ غفاری .

• "مسی عنق" ، محصول استودیو پارس‌فیلم ، برودی در سینماهای بهران نمایش داده می‌شود .

• فیلم‌های در دست تهیه‌ی پارس‌فیلم "مادر ، نادرناه افشار ، سگار خانکی" .

ابوالقاسم رضائی ، صاحب استودیو فیلمبرداری "البرز" ، به‌انگیزه‌ی رقابت با "استودیو پارس-

فیلم" دست به انتشار مجله‌ای به‌نام "عالم سینما" می‌زند ، که نخستین شماره‌ی آن در سوم خرداد

۱۳۳۱ منتشر می‌شود . انصاری و احمد معارف مسئول تهیه‌ی مطالب هستید ، آنها در نخستین شماره ، با

این مضمون علت نشر چنین مجله‌ای را بیان می‌کنند :

با انتشار اولین شماره مجله عالم سینما ، یک قدم دیگر برای احیای هنر سینما در ایران

برمی‌داریم . این مجله که نشریه استودیو فیلمبرداری البرز می‌باشد برای آن چاپ و نشر

می‌کند که علاقمندان به سینما را بیش از پیش در جریان پیشرفت این فن مهم بگذارد

و مردمی را که در سال قسمت اعظم یول آنها صرف فیلمهای بنجیل خارجی می‌کردند یا

حقایق آشنا ساخته با نتیجه‌ی ایشان را وادار سازد که مشوق و مروج محصولات داخلی

خود باشند .



تبلیغ برای استودیو البرز و فیلمهایش از همان روی جلد آغاز می‌شود؛ "سودابه، ستاره فیلم فارسی "عمر دوباره" دومین محصول استودیو البرز که در آنیه نزدیک نمایش داده خواهد شد" (نقل از صفحه دو) و در پشت جلد: "پرویز ضیاء، ایفاکننده نقش فریدون در فیلم "عمر دوباره". در ۲۰ صفحه‌ی داخل محله مهم‌ترین عناوین عبارت است از:

- چگونه یک فیلم تهیه می‌شود.
 - چگونگی تهیه و ظهور و چاپ عکسهای رنگی.
 - نقدی بر فیلم "مادر"، محصول استودیو پارس فیلم.
 - فن سینما رفتن را بیاموزیم.
 - و، چهار صفحه تبلیغ برای فیلم "عمر دوباره".
- "عالم سینما" که در ۲۴ صفحه و به قیمت ۵ ریال عرضه می‌شد، بیش از دو شماره دوام نمی‌آورد. این نشریه نیز مانند "عالم هنر"، قسمت‌هایی را به مد و آرایش و سرگرمی اختصاص داده بود.
- نخستین مجله‌ی قابل توجه سینمایی ایران به نام "جهان سینما" (موسس: سیامک وثوقی، مدیر و سردبیر چهار شماره‌ی اول: حسین فرهنگ، شماره‌ی ۵ به بعد: هوشنگ فدیمی)، در ۹ شهریور ۱۳۳۱، در ۲۴ صفحه به قیمت ۶ ریال منتشر می‌شود. "جهان سینما" از آن رو قابل توجه است که با درج مطالبی بدور از مردم‌فریبی و با دوری جسطن از ستاره‌سازی و تبلیغ آثار مبتذل سینمایی، باب نوینی را در سینمای نوشتاری گشود. در نخستین شماره‌ی آن این عناوین قابل توجه‌اند:
- "سینما مکتب تربیت افراد جامعه است"، نگارش: حسین فرهنگ.
 - "چگونه هنرپیشه‌ی سینما می‌شوند"، از کتاب تکنیک سینما، گردآورده: تر و آل گیلانی.
 - فیلم سه‌بعدی چیست و چگونه تهیه می‌شود؟
 - "تاریخچه‌ی سینمای ایتالیا از ۱۹۰۵ تا امروز"، ترجمه و اقتباس: کاظم اسمعیلی.
 - "معرفی هنرمندان کشور"، گفتگو با اسمعیل کوشان، گفتگو از: بابک ساسان.
 - "گنجهای حضرت سلیمان"، از فرهاد فروهی.
 - "با من سری به سینماهای تهران بزنید"، گزارشی درمورد وضعیت سینماهای تهران.
 - "انتقادی بر فیلمهای هفته‌ی اخیر"، سینما ایران: الماس سوم، سینما ماباک: روسلان و لودمیلا.
- در شماره‌ی دوم "جهان سینما" (۲۳ شهریور ۱۳۳۱)، حسین فرهنگ، زیر عنوان (جهان سینما) از (جهان سیاست) جدایت...! سرمقاله‌ی حالی می‌نویسد:

"از آنجا که بر اثر تبلیغات سوء و دسائس دشمنان هنر، امروزه افراد کشور ما بخصوص طبقه جوان و هنرمند را یاس و ناامیدی و مخاطرات روحی شدیدی تهدید میکند، هنرمندان کمتر ب فکر ایجاد آثاری می‌افتند که مورد قبول و پسند هنرپروران و ارباب ذوق و سلیقه قرار گیرد؛ روی این اصل، هنگامیکه ما مصمم شدیم مجله‌ای هنری که فقط اختصاص ب فن سینما داشته و آئینه احساسات و ذوق حقیقی علاقمندان سینما و

دوستانان هنر باشد انتشار دهیم، هرگونه افکار پوچ و فاسدی را که دشمنان هنر تلقین مینمودند و بالاخره هر قسم موانعی را که ممکن بود در راه انتشار مجله پیش بیاید و از طرف ایندسته احیانا یادآوری میگشت، کنار گذارده علی‌رغم تمام این سمپاشیها با عزمی راسخ بر آن شدیم که با انتشار دادن این نشریه توده‌های مردم بتوانند با اهمیت هنر و فن سینما از لحاظ اجتماعی پی ببرند، زیرا بدیهی است اشخاصی که منافع شخصی آنها ایجاب میکند مردم را چشم و گوش بسته و بی‌اطلاع از رموز ترقی و تکامل و بهبود اوضاع زندگانی نگاهداشت پیوسته جدیت دارند که خرافات و اندیشه‌های مبهم و تاریک را در مردم تقویت کنند تا در نتیجه زمینه جهت انتفاع ایشان بهتر آماده شود. خوشبختانه افکار پلید و مخرب ایندسته از اشخاص نه‌تنها در طبقه هنردوست و روشنفکر این کشور، اثر نداشته بلکه بالعکس آنها را وادار کرده است که متحداً بر علیه صاحبان اینگونه افکار قرون وسطائی در یک صف متشکل مبارزه کنند چه ایشان میدانند که هنرمندان حقیقی فقط بانجام اموری مبادرت میورزند که در آن منافع و مصالح عموم افراد محفوظ و ملحوظ باشد و در بهبود اوضاع زندگانی مردم، موثر واقع شود.

نکته‌ای که بینهایت مهم و شایان توجه است اینستکه بر اثر وجود اختلافات مرامی و مسلکی و اوضاع کنونی کشور شاید روش مجله ما و بیطرفی آن بر عده‌ای از خوانندگان مکتوم باشد؛ البته بدیهی است مجله‌ای هنری که از هنر و هنرمند بحث میکند، نمیتواند بگروه معینی تعلق داشته باشد چه اشخاص هنرمند بدنیا تعلق دارند و تمام جهان، میهن آنهاست و همه بوجود ایشان افتخار میکنند. پس روی این اصل مهم اگر فی‌المثل ما از یک هنرمند روسی و یا از صنعت سینمای شوروی و محصولات فیلمبرداری این کشور تعریف و تمجید نموده و یا پیدایش مکتب رآلیزم را در صنعت سینمای ایتالیا ستودیم و بالاخره در مقابل تعریف از بعضی از فیلمهای پرارزش آمریکائی سایر فیلمهای مخالف اخلاق و احساسات بشری آنها را انتقاد کردیم، این امر دلیل بر آن نمیشود که ما متمایل به "چپ" باشیم یا "راست" چون هدفی که ما هنگام انتشار این مجله برای خود در نظر گرفتیم جز راهنمایی توده مردم و علاقمند ساختن ایشان به فن سینما، چیز دیگری نبود.

این مجله، علی‌رغم داشتن چنین خطی و بهره بردن از سینمایی‌نویسان همچون طغرل افشار، زیاد دوام نمی‌آورد و در همین سال تعطیل می‌شود. علت تعطیل را بعضی اختلافات عقیدتی میان نویسندگان آن ذکر کرده‌اند.

با تعطیل شدن جهان سینما، نویسندگان آن به دو گروه تقسیم می‌شوند، و هر گروه مجله‌ای تازه منتشر می‌کنند. اولین شماره‌ی "ستارگان سینما" (صاحب امتیاز: مصطفی فرهنگ، سردبیر فریبرز ابراهیمی) را حسین فرهنگ در یکشنبه ۹ آذر ۱۳۳۱ منتشر می‌کند. مهمربین عناوین این نشریه ۲۴ صفحه‌ای، که ۶ ریال قیمت دارد، از این قرار است:

• سرمقاله‌ای به نام "ایده‌آل هنری"، نوشته‌ی حسین فرهنگ.
 • صنعت سینمای فرانسه بحرانی‌ترین دوران خود را طی می‌کند.
 • تازه‌ترین و مهمترین اخبار سینمایی جهان.
 • "میکی موس" چیست و چگونه تهیه می‌شود.
 • فیلم بزرگ روز "در ساحل مهنایی"، از: م - وحید صفا.
 • مطلبی در مورد بدل‌ها در سینما با نام "کمپانی‌های فیلمبرداری از هر هنرپیشه دو تن در اختیار دارند".

• و، داستان سینمایی "کجا می‌روی؟" نوشته‌ی هنریک سینیکو، مترجم: عباس آرین‌پورکاشانی، بابک ساسان، از گروه دیگر، "سینما تئاتر" را منتشر می‌کند. او در نخستین شماره‌اش با عنوان "ما و آینده"، می‌نویسد:

"با انتشار اولین شماره نامه دوهفتگی "سینما تئاتر" قدم در راه مهم و خطیری می‌نهیم. مسلماً در این راه با موانع و مشکلات بیشماری روبرو خواهیم بود. با علم باینکه در کار ما نقائص و عیوب فراوانی هست کار خود را شروع می‌کنیم. کوشش خواهیم کرد هرچه زودتر، تا آنجا که وسعت کار ما اجازه می‌دهد، این مشکلات را از میان برداریم، نقائص را مرتفع نمائیم و "سینما تئاتر" را بصورت یک مجله هنری و محبوب درآوریم."

در همین شماره، این مطالب به چاپ می‌رسد:

• حقه‌های فیلم "دزد بغداد" چگونه درست شد؟ نوشته‌ی تروآل گیلانی.
 • از آخرین اخبار سینمایی چه اطلاعی دارید؟
 • کلیاتی چند درباره‌ی فیلمهای مصری.

• در هالیوود یک فیلم چگونه ساخته می‌شود، اقتباس: کاظم اسمعیلی.

• داستان سینمایی "آخرین برگ" ترجمه‌ی محمدباقر وحید صفا.

• در تماشاخانه‌های تهران.

• و، گفتگو با هنرمندان تئاتر، این شماره: گرمسیری.

در شماره‌ی پنجم "سینما تئاتر" که در تاریخ سه‌شنبه ۲۳ دیماه ۱۳۳۱ منتشر می‌شود، نامی از بابک ساسان در شناسنامه‌ی مجله نیست، ولی در عوض "پوران نصیری" دارندگی امتیاز آن نامیده شده است.

پس از چندی دو مجله‌ی "ستارگان سینما" و "سینما تئاتر" با هم وحدت کرده مجله‌ای به نام "ستارگان سینما تئاتر" منتشر می‌کنند که بیش از یک شماره دوام نمی‌آورد. در صفحه‌ی دوم این مجله مقاله‌ای با عنوان "ائتلاف یا وحدت عمل بر اثر وحدت ایده‌آل" چاپ می‌شود که امضای حسین فرهنگ (مدیر مجله "ستارگان سینما") و بابک ساسان (مدیر مجله "سینما تئاتر") در پایان آن آمده است.

۲۸ دیماه ۱۳۳۲ مجله‌ای پا به عرصه می‌گذارد که تا سال ۱۳۵۷ بطور مداوم (با وقفه‌هایی

نه‌چندان قابل توجه) منتشر می‌شود، "ستاره سینما". چهار شماره‌ی این مجله با امتیاز روزنامه‌ی اقلیم چاپ می‌شود. در شماره‌ی اول، این عناوین عمده‌ترینند:

- نازه‌ترین اخبار سینما.

- فیلمهایی که بزودی در دنیا نمایش داده خواهد شد.
- تکنیکهای جدید سینما، نوشته‌ی کاظم اسماعیلی.
- درباره‌ی فیلم "نسل بیچاره"، نوشته‌ی منوچهر وطن‌پور.
- گفتگو با "حسین دانشور" بازیگر سینما.
- هنرپیشگان بولساز سال ۱۹۵۳.
- نقش موسیقی در فیلمهای سینما، نوشته‌ی رضا زرکش.
- گزارشی از اسودبو عصر طلائی، از: س. خبرنگار.
- و، فیلمهایی که در تهران نمایش خواهند داد.

در شماره‌ی پنجم (۵ خرداد ۱۳۳۳)، ستاره سینما، چنین شناسنامه‌ای دارد: دارنده امتیاز: پ. گالستیان* (پایرور گالستیان)، زیر نظر: کاظم اسماعیلی. در این شماره در صفحه‌ی دوم، زیر عنوان "نجدید عهد می‌کنم"، می‌خوانیم:

"در این موقع که علاقه مردم به سینما و هنرپیشگان سینما برخلاف سالهای گذشته، از حد افزون گردیده، لازم بود که یک مجله مرتب و مداوم رابطه مردم را با سینما حفظ کند و اطلاعاتی را که درباره فیلمها و هنرپیشگان و بطور کلی سینما می‌خواهند بدست آورند و در اختیار آنها قرار دهد. ما این وظیفه شاق و سنگین را بعهده گرفتیم. رجاء واثق داشتیم که علاقمندان به هنر سینما در اینراه پشتیبان بی‌دریغ ما خواهند بود." در همین شماره یک اعلان جلب نظر می‌کند، در این اعلان که برای "بازارگرمی" و جلب مشتری بیشتر درج شده است (و نمونه‌هایی شبیه آن در دیگر مجلات این سالها بچشم می‌خورد) آمده است:

"شماره‌های اول و دوم مجله ستاره سینما را هر کدام بقیمت ۱۵ ریال خریدارم کسانی که مایل بخرش باشند می‌توانند مستقیماً بدفتر مجله مراجعه فرمایند."**

ستاره سینما، در طی مدت انتشارش، سردبیرهای متفاوتی به‌خود دید. بعد از کاظم اسماعیلی، این افراد به‌ترتیب سردبیری مجله را بعهده داشته‌اند: روبرت اکهارت، پرویز نوری، ایرج نبوی، بیژن خرسند، جمال امید، رضا سهرابی، تقی مخنار، سیامک پورزند، م. صفار، ناپور منصف

* گالستیان، صاحب کیوسک مطبوعاتی در خیابان لاله‌زار بود، او علاقه‌ی وافری بد سینما داشت، و نشریات سینمایی خارج از کشور را در این کیوسک عرضه می‌کرد.
** شماره‌های اول و دوم، هر کدام بدمت ۶ ریال، توزیع شده بود.

و احمد کریمی. ستاره سینما نخستین نشریه سینمایی است، که طی سالهای فعالیتش، دست به انتشار ماهنامه و فصلنامه زد.

در سال ۱۳۳۹، نخستین ماهنامه‌ی ستاره سینما به نام "ماهنامه ستاره سینما"، زیر نظر "علی مرتضوی" منتشر می‌شود. این ماهنامه پیشتر از پنج شماره دوام نمی‌آورد. در آبان‌ماه ۱۳۴۵، دومین دوره‌ی آن به همت بیژن خرسند در صد صفحه به قیمت ۲۰ ریال منتشر می‌شود. عمده مطالب آنرا نقد فیلم تشکیل می‌دهد و نقادان و نویسندگانی همچون پیام (پرویز دوائی)، هژیر داریوش، کیومرث وجدانی، شمیم بهار و هوشنگ بهارلو در آن قلم می‌زنند. این دوره نیز بیش از ۷ شماره دوام نمی‌آورد و تعطیل می‌شود.

بعد از چهار سال، در اول آبان ۱۳۴۹، سومین دوره، زیر نظر: تقی مختار منتشر می‌شود. نخستین شماره‌ی دور جدید شامل دو بخش است. در بخش اول این عناوین بچشم می‌خورد:

- قبل از هر چیز باید سینما را بعنوان یک هنر بپذیریم، نوشته‌ی دکتر کیومرث وجدانی.
- تماس نخستین فیلم انگلیسی اینگمار برگمان، ترجمه‌ی مهرانگیز بیات
- شناسائی وضع جدید، نوشته‌ی اسماعیل نوری علاء.
- فیلمها و فیلمسازان، ترجمه‌ی جمشید اکرمی.
- آشنائی و گفت شنود با کارگردان و فیلمبردار "سه‌قاپ".
- مرد، در آثار آنتونیونی، نوشته‌ی گوردن گاو، ترجمه و اقتباس: خسرو هریتاش.
- انتقاد بر فیلمهای ماه، از فریدون معزی مقدم.
- معرفی کارگردان: فریتس لانگ، نوشته‌ی فریدون معزی مقدم.
- هنر فیلم، اثر: ارنست لینگرن، ترجمه‌ی اسماعیل نوری علاء.

بخش دوم، به سینمای نجاری فارسی و آگهی فیلمها اختصاص دارد. همین دوره، از شماره‌ی هفتم زیر نظر جمال امید ادامه پیدا می‌کند، و تا شماره‌ی یازدهم را دربر می‌گیرد، و سپس تعطیل می‌شود. چهارمین دوره، فقط شامل یک شماره می‌شود! و آنرا هم بهمن مقصدلو به‌عنوان دبیر شورای نویسندگان، در سال ۱۳۵۱، مسر می‌کند. نویسندگان این شماره‌ی ماهانه‌ی ستاره سینما را غالباً نویسندگانی بسکلی می‌دهند که مقصدلو را در انتشار یک رشته کتاب به نام "سینما و تئاتر" یاری داده‌اند: پرویز اسدی‌زاده، ناصر ابرایی، حسن بایرامی، بهرام بیضائی، پرویز تائیدی، محمد بهامی‌زاد، عبدالرضا حریری، ابراهیم حقیقی، ایران درودی، اکبر رادی، غلامحسین ساعدی، پرویز شفا، حبیب شیبانی، فاسم صنعوی، هوشنگ طاهری، کامران فانی، احمد فتوحی، هوشنگ کاوسی، منیژه کامیاب، اردشیر محمص، احمد محمود، کامبیز ویدا، محمدعلی هاشمی و خسرو هریتاش. در زمستان ۱۳۵۱، نخستین فصلنامه‌ی ستاره سینما به نام "فیلم"، زیر نظر جمشید اکرمی منتشر می‌شود. در این فصلنامه اینها قلم زده‌اند: فریدون معزی مقدم، رضا سهرابی، اسماعیل نوری علاء، بهرام ری‌پور، منوچهر درفشه، هوشنگ حسامی، هژیر داریوش، جهانبخش نورائی، میهن بهرامی (متوسلانی)، بیژن مهاجر، محمود اهری، ایرج صابری، جمال امید، پرویزکیمیایوی و نصرت کریمی.

دومین شماره، با دو فصل تاخیر در پائیز ۱۳۵۲ منتشر می‌شود، و با این شماره، دیگر شاهد ماهنامه یا فصلنامه‌ای از سوی ستاره سینما نیستیم. پیش از این ماهانه‌ها و فصلنامه‌ها، ستاره سینما، مجله‌ای را در قطع وزیری منتشر کرد به نام "صحنه‌های زندگی" (در سمت چپ آن، روی یک ستاره نوشته شده: "اولین نشریه‌ی ستاره سینما") که اختصاص به معرفی فیلمهای ایتالیا داشت. این نشریه نه تاریخ داشت و نه شناسنامه. روی جلد آن فقط نام فخرالدین قهاری به چشم می‌خورد. مطالب این نشریه با نوشته‌ای زیر عنوان "پیش‌گفتار" شروع می‌شد:

"علت تخصیص این کتاب بفیلمهای ایتالیایی باین مناسبت است که هنر سینمای ایتالیا امروزه توانسته است از هر حیث پیشرو ممالک دیگر جهان شود.

هجوم بی‌حد هنرپیشگان خارجی بخصوص آمریکائی و شرکت آنها در فیلمهای ایتالیایی بطوری حاد گردیده است که هنرمندان ایتالیا ناچار باینموضوع سخت اعتراض نموده و اتحادیه‌ای تشکیل داده‌اند که از ورود بی‌حساب خارجیان جلوگیری بعمل آورد و ترتیب خاصی برای شرکت آنها در فیلمها داده شود.

مبارزه صنفی و هنری بالاخره باعث شده است که هنرپیشگان با پشتکار بیشتری در راه خود گام بردارند.

امروزه (رم) پایتخت ایتالیا مرکز هنرمندان جهان گردیده و چشم و چراغ سینمای دنیا محسوب می‌شود.

با ذکر این مقدمات جا دارد که ما هم لااقل با آثار متعدد این سرزمین که قطره‌ای از آن در این کتاب جمع گردیده است آشنا شویم.

جای بسی خوشبختی است که هموطنان هم باینموضوع پی برده و با تشویق و ترغیب خود راه تازه‌ای را بواردکنندگان فیلم نشان داده‌اند.

بعقیده من پیشرفت سریع سینمای ایتالیا نتیجه آنست که متورانسنها مضامین فیلمی خود را از "مردم گرفته و بخاطر مردم بوجود می‌آورند."

امیدواریم که کارگردان‌های ایرانی هم باین مسئله توجه داشته باشند.

"صحنه‌های زندگی"، در مجموع دربر گیرنده‌ی مشخصات بیست و پنج فیلم ایتالیایی بود.

پشت جلد، به آگهی تبلیغاتی فیلم "میزار" اختصاص داشت.

فرهاد فروهی، در ۲۵ مهر ۱۳۳۳، با امتیاز روزنامه‌ی نجات میهن، مجله‌ای به نام "سینما"

منتشر می‌کند. این مجله ۲۴ صفحه دارد و ۶ ریال قیمت. روی جلد ستاره‌ی سکی دهی سی

"سیلوانا مگانو". * سید حسین نیرومندزاده به‌عنوان صاحب‌امتیاز، در نخستین شماره‌ی "سینما"،

* تمام مجلات سینمایی ایران، و در مواردی غیرسینمایی، درباره‌ی این ستاره‌ی ایتالیایی مفصلاً مطالبی را به چاپ رساندند. در دهه‌ی سی و حتی چهل کمتر نشریه‌ای را می‌توان یافت که روی جلدی به او اختصاص نداده باشد.

سرمقاله‌ای می‌نویسد که ربطی به سینما ندارد! این مقاله‌ی جالب، صرفاً "به‌خاطر کتمان گرایش‌های سیاسی در قبل از کودتای ۲۸ مرداد، نوشته شده است. نمونه‌های فراوانی از این دست مقالات، در روزنامه‌ها و مجلات بعد از کودتا می‌توان یافت:

"من از آن ساعتی که با مطبوعات سروکار پیدا کردم اهل سیاست شدم و اگر قدری عقبتر هم بروم در دوران تحصیل نیز مطالب و اخبار جالب تهیه می‌کردم... علاقه‌ای سیاست بازی روز بروز بحد افراط رسید تا بالاخره در دوران حکومت آقای قوام گرداننده قسمتی از دستگاه حزب دمکرات ایران شدم از آن تاریخ تا روز قیام ملی ۲۸ مرداد چه در بدریها کشیدم تا توانستم امروز خود را از قید و بندی که بنام سیاست همان آزادی مادرزادی‌ام را نیز سلب کرده بود رها کرده و بگویم: ای بر پدر سیاست لعنت!؟ البته من سیاست دولت اهانت نمیکنم زیرا اولاً "از ارادتمندان و هم‌فکران آقای نخست‌وزیر هستم و هم بدولت بی‌سیاست اعتقاد ندارم. من سیاست را برای مردم اعم از دانش‌آموز، دانشجو، کارمند، کاسب و بالاتر از همه برای روزنامه‌نویس غیرمفید بلکه مضر می‌دانم والا حکومت بمعنی واقعی همان سیاست‌بازی است..."

در همین شماره عناوین زیر مهمترین مطالب "سینما" است:

- در اطراف استودیوهای ایرانی. از: ابراهیم باقری.
 - اورسن ولز یک نابغه شهیر هنر هفتم، از: هوشنگ کاوسی.
 - شرح زندگی الیزابت تیلور، از: نسرین، ب.
 - درباره‌ی ژان کلود پاسکال. از: عباس شریفی.
 - مجله "سینما" انتقاد می‌کند، نقد فیلم "مکانی در آفتاب"، نوشته‌ی فرهاد فروهی.
- بنظر می‌رسد فروهی و نیرومندی‌زاده، به این ترتیب نمی‌توانند با هم همکاری کنند. شماره‌های بعدی مجله‌ی سینما، با امتیاز نشریه‌ی "موزیک ایران" (صاحب امتیاز: بهمن هیربد) انتشار پیدا می‌کند. فروهی در مجله‌ای که به تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۳۲ منتشر می‌شود، افتتاح نخستین "سینه کلوب" ایران را اعلام می‌کند، او در سرمقاله می‌نویسد:

"مجله سینما که هدفی جز بالا بردن سطح سینما در ایران و آشنا ساختن بیشتر مردم باین هنر و صنعت ظریف ندارد برای استفاده خوانندگان خود از چندی پیش باینطرف برنامه‌های سینمایی ترتیب داده است که طی آن فیلمهای متعددی را بمعرض نمایش می‌گذارد. این فیلمها منتخبی از فیلمهای خبری، علمی، بهداشتی، موسیقی و دکومانتر می‌باشند و در پایان هر برنامه نیز یک فیلم داستانی از محصولات بزرگترین کارخانجات فیلمبرداری جهان نمایش داده خواهد شد. استفاده از این برنامه‌ها مجانی است یعنی کسانی که مجله را مشترک هستند می‌توانند با ارائه قبض اشتراک از برنامه‌ها دیدن کنند و سایر خوانندگان هم می‌توانند بدفتر اداره مجله مراجعه نموده و کارت عضویت بخش فیلم مجله را دریافت نمایند. برنامه‌های فوق‌الذکر هفته‌ای یکبار روزهای

جمعه ساعت ۶ بعد از ظهر در سالن آموزشگاه موسیقی هنر واقع در خیابان نادری کوچه جنب کتابخانه برقرار میگردد .

بعد از روزنامه‌ی کیهان ، "سینما" ، نخستین مجله‌ی سینمایی ست که به فیلمها امتیاز می‌دهد . ترتیب نمره دادن ، از این قرار است : نمره‌ی ۴ (عالی) ، نمره‌ی ۳ (خیلی خوب) ، نمره‌ی ۲ (خوب) و نمره‌ی ۱ (متوسط) . طغرل افشار ، از سینمایی نویسان خوش فکر و روشن بین ، در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۳ "بیک سینما" را با امتیاز "روزنامه سینمایی ایران" (صاحب امتیاز : حمید رهنما) منتشر می‌کند . "بیک سینما" ، سرآمد همه‌ی نشریات سینمایی دهه‌ی سی ست . طغرل افشار در اولین شماره‌ی آن ، اهداف خود را از انتشار یک مجله‌ی سینمایی ، اینگونه اعلام می‌کند :

"اکنون که پس از مدت‌ها مجاهدت اولین شماره مجله خود را منتشر مینمائیم بدو" درود فراوان بخوانندگان عزیز و دوستانان هنر سینما میفرستیم .

ما این مجله را بخاطر مبارزه در راه نیل بیک هدف مقدس هنری و توسعه و معرفی هنر سینما در میان توده مردم ایران و کمک به فرهنگ و هنر کشور برپا ساخته‌ایم اکنون که سینما در ایران یگانه و بزرگترین وسیله تفریح و همچنین بزرگترین رشته هنری شده است که مورد ذوق و علاقه کلیه طبقات مردم میباشد جای آن دارد که این هنر آنطور که لازم است بمردم شناسانده شود و علاقمندان سینما با محصولات سینمایی جهان و جنبشها و جریانات هنری سینما در نقاط مختلف دنیا و همچنین اصول و اهمیت صنعت سینما تو - گرافی آشنا شوند بزرگترین عامل معرفی این هنر و آشنائی کامل با آن وجود نشریه‌های جامع هنری و انتقادی سینما میباشد و دیگر گانونها و سینه‌کلوپهای سینمایی هستند که در راه نمایش محصولات عالی سینمایی دنیا جنبشهای موثری بعمل می‌آورند .

هدف در تشریح و بیان واقعیاتی است که سینما میتواند بمردم بدهد ما باید بخوبی با سینما که مجموعه کاملی از هنرها است آشنا شویم و از آن مانند حربه موثری جهت تعلیم و ترقی مردم و ترویج فرهنگ و هنر استفاده کنیم بدون شک سینما میتواند یک مکتب آموزنده بصری برای کلیه توده‌های مردم جهان باشد و پابپای رستاخیز تحول زندگی پیش بیاید بنابراین هدف ما مبارزه در راه این هدف مقدس بوسیله تشریح و بیان اساس صنعت سینما توگرافی وجود و لزوم مفهومات عالی اجتماعی در سینما - شرح میزان اهمیت و ارزش محصولات سینمایی - تفسیر جنبشهای مختلف هنری سینما در دنیا و معرفی هنرمندان بنام میباشد .

ما در این راه از هیچگونه مجاهدتهای فروگذار نخواهیم کرد و نسبت بموسسات یا تشکیلاتی که بنام سینما تجارت میکنند تا آنجائیکه قدرت داریم رحمی روا نخواهیم داشت . صفحات و ستونهای این مجله مطلب پردازی و به اصطلاح مجله پرکنی نخواهد بود بلکه مطالب آن اختصاص به مطالب کلی و صد درصد هنری سینما خواهد داشت که از لحاظ آموزشی برای کلیه خوانندگان سودمند و در عین حال لذت بخش باشد در واقع ما

مبارزه می‌کنیم و این مبارزه ما بشکل بیان هنر و انتقادی صحیح یعنی در واقع جدالی قلمی همواره ادامه خواهد داشت مبارزه ما در راه نیل به هدف‌های نهائی شامل یک رشته مباحث کلی و اساسی است بنابراین هیچگاه مسائل شخصی و فردی در مجله ما مطرح نخواهد شد ما حتی المقدور سعی می‌کنیم در حدود امکان نظر اکثریت خوانندگان را عملی کرده و همچنین نظریات و آثار ارباب هنر سینما را نیز مطرح کنیم ولی در این میان یک هدف بزرگتر تجلی دارد که آن همانا تجسم هنر سینما برای عموم مردم و بیان مفهومات عالی هنری محصولات سینمایی از لحاظ جنبه اجتماعی میباشد و این مسائل بیشتر در صفحات انتقادی مجله ما مطرح خواهد شد.

مجله ما برای حل کلیه مشکلات و پاسخ بکلیه سئوالات سینمایی آماده است و بدون شک نظریات و عقاید شما برای ما بینهایت ذیقیمت خواهد بود در صفحات این مجله گذشته از مطالب انتقادی صفحاتی اختصاص به درس فیلم‌برداری تکنیک سینماتوگرافی و مکتب‌های مختلف سینمایی در کشورهای مختلف جهان خواهد داشت.

سخن را در اینجا کوتاه کرده و بکار آغاز می‌کنیم، تا بسهم خود راه آینده درخشانی را هموار سازیم.

در همین شماره، فهرست مطالب مهم به‌قرار زیر است:

- اخبار سینمایی جهان، فرهاد فروهی.
- با فیلم‌برداری آشنا شوید، ترو آل‌گیلانی.
- تاریخ مختصر سینما، هوشنگ کاوسی.
- درباره‌ی مهین دیهیم، س. خبرنگار.
- هنرمندان پشت دوربین، مطلبی درباره‌ی جان هستون.
- فیلمهایی که بزودی در تهران نمایش داده خواهد شد.
- فرهنگ سینمایی - در این صفحه کلیه واژه‌ها و لغات سینمایی که مورد لزوم و علاقه دوستداران سینما است شرح داده می‌شود - ت. آگاه.
- نگاهی به فیلم بازگشت به بهشت (ساخته‌ی مارک روبسون)، فرهاد فروهی.
- سینما و مردم، بقلم سایه روشن.
- اسنودیوهای فیلم‌برداری ایران و دورنمای فیلم فارسی.
- موسیقی و سینما، ناصر حسینی.
- انتقاد بر فیلمهای دو هفته اخیر، طغرل افشار.
- هفتمین فستیوال کان، از خبرنگار دائمی ما در اروپا: فرخ غفاری.

اولین و دومین شماره‌ی "پیک سینما" با اشکالات و کارشکنی مخالفان روبرو می‌شود. ۱۸ خرداد ۱۳۳۳، شماره‌ی سوم "پیک سینما"، با امتیاز نشریه نجات (صاحب امتیاز: مجید نجات) انتشار می‌یابد. در این شماره طغرل افشار زیر عنوان "مبارزه‌ای که ما دنبال می‌کنیم" به سوداگران سینما

"آئینه اگر عیب تو بنمود راست خود شکن آئینه شکستن خطاست

هنگامیکه اولین شماره مجله ما انتشار یافت و با استقبال عموم مردم روبرو گشت عده‌ای از کسانی که وجود و نشر چنین مجله‌ای را برای سوءاستفاده‌های مادی خود خطرناک و حتی نابودکننده دیدند چون قادر نبودند با سلاح منطق و زبان حقیقت با ما جدال کنند برای جلوگیری از انتشار این مجله که خاری در سر راه آنها بوده و مقاصد شوم آنها را که بنام هنر تجارت میکنند فاش میکرد دست بتلاش مذبحخانه‌ای برای جلوگیری از انتشار مجله زدند زیرا سخنان و مباحث ما در عین اینکه هنر سینما را بمعنای واقعی خود بیان میکرد راه غلطی را که سینمای ایران و تجارت سینمائی دنبال میکنند آشکار میساخت ولی آنها اینرا نمیدانستند که حقیقت از نظر مردمی که بجلو میروند پنهان نمیاند سیر تکاملی بشر در کلیه امور حتی در هنر حقایق را ب مردم می‌آموزد. سخن ما خطاب به کسانی است که هنر سینما را در ایران در اولین قدم خود در منجلا ب سقوط و فساد غلطانده‌اند خطاب به کسانی است که بنام سینما ترویج فساد میکنند و محصول سینمائی را مانند سایر کالاهای تجارتنی تحویل مردم میدهند و عالم هنرپیشگی را به شکلی درآورده‌اند که هیچ دختر یا پسر صاحب استعدادی و صاحب خانوادهای حاضر نمیشود قدم به عالم سینمای ایران بگذارد و دامنه گار خود را بجائی رسانید مانند که یک عده هنرمند واقعی و بااستعداد که هر یک حقیقتاً در اموری از امور سینما دست داشته و استاد هستند با نهایت دل‌سردی و تنفر خود را کنار کشیده‌اند (که ما از آنها نامی نمیبریم) این اشخاص که قادر نیستند نیش قلم انتقاد را که بیان‌کننده واقعیت هر امری است تحمل کنند میخواهند مانع از آن بشوند که سخنی درباره عملیات آنها گفته شود ما در مقابل آنها آئینه‌ای بودیم که تصویر واقعی اعمال آنها را مجسم کردیم با آنها گفته و میگوئیم که هنر، هنر انسانی هنری که نماینده ذوق و احساسات لطیف آدمی است آنقدر گرمی و بزرگی است که هر کسی بخواهد به عظمت و حقیقت آن لطمه بزند منفور و مطرود میشود و آنها در عوض اینکه به اصطلاح خود بپردازند و سعی کنند روش ناصحیح خود را تغییر دهند سعی میکنند در کمترین مدت بزرگترین استفاده مالی را نموده و سپس سینمای ایران را به طرف سقوط و نابودی روانه سازند مسئولین موظفی هم وجود ندارد که از این عملیات و ادامه این روش جلوگیری کند این افراد برای تقویت خود در مطبوعات افرادی را هم استخدام کرده‌اند که مجاناً!! به‌عنوان تشویق از محصولات وطنی از آنها حمایت میکنند بزرگترین آرزوی ما ایجاد و ترقی هنر فیلم‌برداری و سینما در ایران از لحاظ صرفاً هنری است بنابراین ما همواره راه این ترقی و تکامل را بجویندگان حقیقی آن نشان خواهیم داد و نخواهیم گذارد که سینمای ما در اولین قدم خود با شکست و نابودی مواجه شود ما مبارزه خود را برای نیل به هدف‌های عالی خود ادامه خواهیم داد و اطمینان داریم که اجتماع



مترقی و مردم هنردوست که واقعا "میل به درک معنی حقیقی هنر سینما دارند پا بپای ما پیش خواهند آمد."

یکی از هدفهایی که افشار و همراهانش دنبال می‌کردند، ایجاد یک "سینه‌کلوب" بود. در شماره‌ی پنجم پیک سینما، در این مورد مطالبی درج می‌شود، اما با تعطیل سه ماهه‌ی آن که بنظر می‌رسد بواسطه‌ی مسافرت کوتاه مدت افشار به خارج از کشور باشد، این طرح مسکوت می‌ماند. در شماره‌ی نهم (۶ آذر ۱۳۳۳) زیر عنوان "کانون ملی هنر و سینه‌کلوب، اولین سازمان ملی سینمایی ایران برای نمایش فیلمهای عالی و آشنا ساختن علاقمندان بمحصولات سینما شروع بکار می‌کند" اهداف این کانون برشمرده شده، هیئت موسس آن به‌این ترتیب معرفی می‌شوند.

آقای دکتر برکشلی - رئیس دایره نمایش و سرپرست اداره هنرهای زیبای کشور.

" علی‌اصغر گرمسیری - کفیل اداره هنرهای ملی

" علی کریمی - نقاش

" دکتر کاوسی - کارشناس رسمی فیلم وزارت دادگستری

" علی‌اصغر سروش نویسنده

" محمدعلی دولتشاهی نقاش دبیر دبیرستانها

" طغرل افشار مدیر مجله پیک سینما

" فرهنگ فرهی منقد هنری

" فریدون رهنما منقد هنری

" احمد مغازه‌ای متخصص سینما

" جلال مقدم دبیر دبیرستانها

" منصور متین هنرپیشه

" سیامک پورزند نویسنده سینمایی

با مرگ نابهنگام طغرل افشار*، مطبوعات سینمایی ایران یکی از بهترین سینمایی نویسان خود را از دست می‌دهد، و، پیک سینما به‌مقصد نمی‌رسد.

اداره کل هنرهای زیبای کشور در اردیبهشت ۱۳۳۶، نخستین نشریه دولتی سینما را منتشر می‌کند. مجله، "فیلم و زندگی" (ماهانه، هر شماره ۱۰ ریال) نام دارد و شاء‌الله ناظریان مدیریت آنرا برعهده دارد. در نخستین شماره‌ی آن، سرمقاله‌ی کلپشهای، فتح باب می‌کند:

خوانندگان گرامی، نخستین شماره مجله ماهانه "فیلم و زندگی" پیش روی شماست. با اینکه نگاهی سطحی به مقالات و مطالب این مجله می‌تواند معرف هدف و منظور آن باشد،

* تاریخی را که برای مرگ او ذکر کرده‌اند سال ۱۳۳۳، بر اثر غرق شدن به‌هنگام شنا در دریای خزر، است. با توجه به آخرین شماره‌های در دسترس از پیک سینما، که تاریخ دیماه سال ۳۳ را بر خود دارند، این تاریخ چندان دقیق بنظر نمی‌رسد.

ولی تذکار نکات کوچکی در این مورد، لازم بنظر می‌رسد: "فیلم و زندگی" همانطور که از اسم آن برمی‌آید کوشش می‌کند وجوه مشترک علمی و هنری سینما را با زندگی جستجو کرده و بیان کند و ارزش این هنر را در حیات بشری نمودار سازد... "فیلم و زندگی" در یک صورت دیگر، کوشش می‌کند که مطالب تحقیقی و تکنیکی سینمایی را هرچه بیشتر در صفحات خود جای دهد...

در این شماره می‌خوانیم:

- در راه یک فعالیت تازه، نوشته‌ی غلامحسین جباری، رئیس اداره آموزش و سازمان سمعی و بصری.
- سینما در خدمت هنر، شاءالله ناظریان.
- تحریک‌های در مزارع (بازیگر عادی چگونه در مقابل دوربین فیلمبرداری قرار می‌گیرد؟)، ش. ن.
- فیلم مستند و تحولات آن، مهدی غروی.
- پیدایش ضبط صوت مغناطیسی، ترجمه: ا. ه. دولتشاهی.
- یک فیلم بزرگ اجتماعی: "مرد بازو طلائی"، ساخته‌ی انو پرمینگر.
- مختصری درباره نمایش به‌طریق‌های پرده عریض، سینهراما، سینماسکوپ، ویستاویژن و سوپرسکوپ.
- تدوین فیلم چیست؟ از: ناصر شیرازی.
- دوستداران سینما چه فیلم‌هایی می‌توانند تهیه کنند؟ از: دکتر ا - نعمان (اسحاق نعمان).
- آیا می‌شود هر فیلمی را دوبله کرد؟ از: پرویز بهرام
- مختصری درباره یک هنرمند و آخرین اثر او: جرج استیونس و فیلم غول.

از شماره سوم، نامی از شاءالله ناظریان نیست. در شماره‌ی هفتم در شناسنامه نوشته شده است، زیر نظر: پرویز نوری، طرح و تنظیم: صادق بریرانی. "فیلم و زندگی"، در مجموع، نشریه‌ی خوبی است. در آن از ستاره‌سازی و مطالب پوچ و عوام‌فریبانه خبری نیست. مطالب فنی آن برای دست اندرکاران سینما، کارساز است. این نشریه با انتشار هفتمین شماره، تعطیل می‌شود.

مهر ماه ۱۳۳۶، اولین شماره‌ی مجله‌ی "پست تهران، سینمایی" منتشر می‌شود. در شناسنامه آمده است: صاحب امتیاز: محمدعلی مسعودی، مدیر: امیر سعید برومند، مدیر داخلی: مهدی غرشی. این مجله در ۳۲ صفحه منتشر شده، ۵ ریال قیمت دارد. مطالب عمده آن، اختصاص به زندگی بازیگران و مسائل سطحی سینما دارد. در یک‌چهارم صفحات، آگهی به‌چاپ رسیده است. همکاران این نشریه عبارتند از: منوچهر شیبانی، ایرج طیبی، سیروس قهرمانی، اردشیر مهاجر، فرامرز سلیمانی و شهاب‌الدین سیدحسینی. شاءالله ناظریان نیز، برای مدتی سردبیری این نشریه را بعهده داشت.

علی مرتضوی، در سال ۱۳۳۷، "جهان سینما" را با امتیاز نشریه "مسلك" (صاحب امتیاز: ابوالفضل ساغریمانی) منتشر می‌کند. * "جهان سینما"، در رده‌ی همان نشریاتی قرار می‌گیرد که

* در سال ۱۳۵۵، از نشریه‌ی نام برده می‌شود به‌اسم "عالم هنر"، که مدیریت آنرا نیز علی مرتضوی بعهده داشته است. اما، نمونه‌ای از آنرا نیافتیم.

بواقع "عصای دست" سینمای مبتذل فارسی، نامیده شدند. عناوین شماره‌ی ۱۲ آن، این نظر را ثابت می‌کند:

- بمب جاذبه جنسی ایران کشف شد.
- عشق بهتر است یا ثروت.
- بی ستاره‌ها.
- نامه‌ای به فرانک میرقهاری.
- استودیوها خبر می‌سازند.
- و، آکهی‌های فیلمهای فارسی.

برادران اخوان (مصطفی و مرتضی) به‌عنوان نماینده‌ی کمپانی‌های بزرگ امریکایی، از سال ۱۳۳۹، هر ساله در فروردین ماه یک مجله‌ی سینمایی به‌نام "مولن‌روز" منتشر کردند. که پنج شماره ادامه داشت. این نشریه برای تبلیغ فیلمهایی بود که برادران رضائی وارد می‌کردند. هر پنج شماره فاقد شماره صفحه و قیمت است.

هوشنگ کاوسی، که از سال ۳۲ در نشریات سینمایی و غیرسینمایی، قلم می‌زد. در نوروز ۱۳۴۰، صاحب مجله‌ای می‌شود به‌نام "هنر و سینما". او در سرمقاله‌ی نخستین شماره‌اش زیرعنوان "سال نو، مجله نو" می‌نویسد:

"هنر و سینما - خیلی زودتر از نوروز ۱۳۴۰ باید انتشار می‌یافت. اما بر اثر مشکل فراوان و ناگهان که همواره بر سر راه اینگونه کوششها بوجود می‌آید، مجله ما چهار سال دیرتر از تاریخ قبلا" پیش بینی شده منتشر میگردد... با همه اینها می‌توان این چهار سال تباه شده را جبران کرد، اما با تلاش فراوان. ما انجام این وظیفه را می‌پذیریم بشرط آنکه دو مقام موثر ما را کمک کنند: مقام رسمی و اعلای حفظ سنت‌های هنری و فرهنگ در ایران و مردم..."

بعد از سرمقاله، مطالب عمده به این شرح‌اند:

- درباره‌ی هنری ژرژ کلوژو، کاوسی.
- لولینا، نوشته‌ی ولادیمیر نابوکوف.
- پرده‌های عریض، بهرام بیضائی.
- نیرنگهای سینمایی، م. بکناش.
- دیکنس، گریفیت، و... سینمای امروز، از یادداشتهای ایزنشتین، ترجمه‌ی رحمت مظاهری.
- نمایشگر زندگی، نوشته‌ی اورسن ولز، ترجمه کیومرث سلطان.
- ماجرای مولیر و همسرش، نروآل گیلانی.

"هنر و سینما" که بطور مداوم تا خرداد سال ۱۳۴۲ (پنجاه و ششمین شماره) منتشر می‌شد، در این ماه تعطیل می‌شود. در شهریور ۴۲، دومین دوره‌ی آن مجدداً نشر می‌یابد که تا اوایل سال ۴۳ بیشتر دوام نمی‌آورد. سومین دوره‌ی آن که ده شماره در قطع روزنامه‌ای جاب می‌شود، در ۲۰ دی

۱۳۴۳ منتشر می‌شود. این دوره از نظر شکل و محتوا یکی از نشریات سینمایی متمایز ایران است. در شناسنامه‌ی آن که در صفحه‌ی آخر (صفحه‌ی ۸) به چاپ رسیده است می‌خوانیم: هنر و سینما ((هفته‌نامه انتقاد فیلم))، صاحب امتیاز: ه. کاوسی، زیر نظر: پرویز نوری و شورای نویسندگان، مدیر داخلی: پاشا شاهنده، "برای مبارزه با آسان پسندی در سینما" در کنار نینر صفحه‌ی اول آن آمده است: "این نشریه از حمایت هیچ موسسه دولتی و هیچ دستگاه ملی تبلیغاتی بهره‌مند نیست و از پذیرش آگهی‌های سینمایی که بخواهند نویسندگان‌ش را دچار انواع خفکان کنند معذور است." سرمقاله نیز که در کنار نینر، بطور وارونه چاپ شده! این مضمون را دارد:

"انتشار این هفته‌نامه نتیجه تماس‌ها، نشست‌ها و برخاست‌ها، و مباحثات طولانی متستی از آدمهای موجود در این مملکت است که سوای همه اختلاف سلیقه‌ها و تشتت آرا، و عقاید در عشق ورزیدن به سینما بعنوان یک هنر مهم و خیلی جدی، وجه مشترک دارند و در این متفق‌القولند که در اینجا و در این زمان باید که یک نشریه اگرچه محقر، ولی آزاد و مستقل و بسیار سختگیر در زمینه سینما بوجود آید که در آن فارغ از قید دسته‌بندیها و طرفداریها و خصومت‌های خصوصی، و فارغ از تسلط تبلیغات تجاری، این رب النوع زندگی مدرن، بتوان حرف زد..."

نینر مطالب این شماره:

• رجعت به رحم و تولدی دیگر، گفتگوی پرویز نوری و کیومرث وجدانی با "زان دوشه" منتقد مجله "گایه دوسینما".

• شب، کسوف و سحر، گفتگوی ژان لوک گودار با آنتونیونی.

• حرفها (مجموعه‌ی خبری).

• نقد فیلم "عمق سقوط" (ساخندی آنتونی مان)، کیومرث وجدانی.

هنر و سینما، در صفحه‌ی آخر جدولی دارد که منتقدین آن به فیلمهای روی پرده امتیاز داده‌اند. این منتقدین که ضمناً در این نشریه نیز قلم می‌زنند عبارتند از: شمیم بهار، هزبر داریوش، بهرام ری‌پور، لیلا سپهری، هوشنگ شفتی، کاوسی، ناظریان، نوری، وجدانی و بیضائی. سومین دوره، در نوروز ۱۳۴۴، پایان می‌گیرد. دوره‌ی چهارم و پنجم شامل هشت شماره می‌شود. یک دوره‌ی ۶ شماره‌ای که اواسط سال ۴۴ منتشر می‌شود و دوره آخر که دو شماره را دربر می‌گیرد و در سال ۴۵ توسط احمد شاملو و یدالله رویائی منتشر می‌شود. دو شماره‌ی اخیر بیشتر ادبی است تا سینمایی.

پائیز ۱۳۴۱، پرویز نوری و منوچهر جوانفر نشریه‌ای جنگ مانند منتشر می‌کنند که "فیلم" نام دارد (نشریه ماهانه صبح امروز، فیلم). صاحب امتیاز این مجله که فقط یک شماره منتشر شد عمبدی نوری بود. کل مطالب آن، نقد فیلم است، که بجز "سیری در سرگیجه" نوشته‌ی پرویز دوائی و "میعادگاه تابستانی" نوشته‌ی دکتر کیومرث وجدانی، بقیه را نوری و جوانفر نوشته‌اند.

در دوم اسفند ۱۳۴۱، نشریه‌ای با به میدان می‌گذارد که بعد از "ستاره سینما" از نظر تداوم،

در مرتبت دوم است، "فیلم و هنر". صاحب امتیاز و مدیر: عبدالمجید رضانی، زیر نظر: اردشیر مهاجر. باز هم در آغاز، شاهد یک سرمقاله‌ی کلیشهای هستیم:

"استقبال روزافزونی که از سینما در ایران می‌شود و علاقه فوق‌العاده‌ای که مردم نسبت باین هنر ابراز می‌دارند و اهمیتی که این یگانه وسیله تفریحی در کشور ما و در میان کلیه طبقات یافته است ایجاب می‌کند که این هنر آن‌چنان که شایسته آنست شناسانده شده و با آشنا کردن مردم بارزش واقعی سینما سطح تشخیص درست و درک صحیح مسائل هنری و سینمایی بینندگان را بالا ببرد..."

عناوین مهم نخستین شماره:

- جلوی دوربین، جمشید ارمیان.
- سینما منشاء گناه، پرویز نوری.
- درباره‌ی کلود شابرول.
- سینما در ۱۹۶۲، پرویز دوائی.
- مکتبهای نقاشی، کیومرث سلطان.
- تاریخچه‌ی جاز اصیل، مسعود مصلحی.

دوره‌ی اول فیلم و هنر، شامل سه شماره است. نوروز ۱۳۴۲ اختصاص به آخرین شماره دارد. یکسال بعد، در ۱۸ فروردین ۱۳۴۳ دومین دوره‌ی آن به‌مدیریت علی مرتضوی منتشر می‌شود. تابستان ۱۳۵۲، مرتضوی برای راه‌اندازی "ستاره سینما"، که چند ماهی به‌دلیل ضعف در مدیریت تعطیل شده است به این مجله می‌رود و سردبیری فیلم و هنر را به جمشید اکرمی می‌سپارد که از این تاریخ، "فیلم و هنر"، به‌دلیل گرایش اکرمی به سینمای جدی، خوانندگان آسان‌پسند را از دست می‌دهد و تیراژ آن بشدت پائین می‌آید. * عبدالمجید رضانی پس از درگیری با مرتضوی (چندی بعد مرتضوی در ستاره سینما اعلام می‌کند که سمتی در مجله‌ی فیلم و هنر ندارد) سردبیری را به محمد صفار می‌سپارد. صفار نیز کاری از پیش نمی‌برد. آخرین شماره‌ی فیلم و هنر در خرداد سال ۱۳۵۳ منتشر می‌شود.

در سال ۱۳۴۶، خلیل رزم‌آرا با امتیاز "مرد مبارز" دست به انتشار یک نشریه‌ی سینمایی می‌زند. روی جلد نوشته شده است: "مرد مبارز، برای علاقمندان فیلم و سینما". در یک شماره‌ی آن این عناوین به چشم می‌خورد:

- ریچارد برتون، مردی که محبوب زن‌هاست.
- گفتگو با مهندس مصطفی عالمیان (فیلمبردار).
- دیداری با ایرج رسنمی.
- جان وین، این کابوی پیر.

* بعدها گفته شد، مرتضوی به‌علت اختلاف با رضانی، عمداً "فیلم و هنر" را به اکرمی سپرد تا باعث ضعف آن شود و خود بتواند برای رونق بخشیدن به ستاره سینما از این خلاء استفاده کند.